

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوارهای صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره هفت - قسمت سوم)

حمید اشرف: خوب معلومه که مقدمه

تقی شهرام: از این نظر مقدمه

حمید اشرف: سازمان واحد مارکسیست- لنینیست هاست که هر خطی رو در جنبش تعیین می کنه

تقی شهرام: آها بسیار خوب. آره من معتقدم، ما معتقدیم به این ولی اگر مثلاً یک گروه مارکسیستی از جمله مثلاً حتی یک گروه بزرگ مارکسیستی مثلاً شما نخواستید بیان ولی چون تو اگه بخواهیم مسئله جبهه را کلاً منتفی کنی

حمید اشرف: آخر ما کجا بیایم

تقی شهرام: اصلاً نخواستیم وحدت پیدا کنیم، می دونی چرا اصلاً می گیم که آقایون مثلاً

حمید اشرف: نه، وحدت اصولی با مارکسیست ها را که می پذیریم

تقی شهرام: می پذیرید؟ ولی یک مسئله آیا واقعا شما مثلاً فرض کنید که راجع به مسئله جبهه چه نظری دارید؟ بین ما مسئله جبهه را به تفسیر ازش داریم، همین طوری الکی نیامدیم بگیم آقایون جبهه عشق است، جبهه بریم، بریم تو جبهه، ما می گیم این مسایل را جبهه هم حل می کنیم. این جزو یکی از نظرات ماست. شما می گید که باید حتماً وحدت مارکسیست - لنینیست ها بیاد مقدمه قرار بگیره؟

حمید اشرف: خوب بلی این در حقیقت

تقی شهرام: این نظرش اینه که (نامفهوم...)

حمید اشرف: این وحدت مارکسیست - لنینیست هاست که باید وضعیت جبهه را معین کنه...

تقی شهرام: خیلی خوب این معنایش اینه که،

حمید اشرف: خطوط جبهه را رسم کنه

تقی شهرام: بارک الله این معنایش اینه که الان ما و شما این جا نشستیم پس بیایم اصلاً راجع به مسئله جبهه بحث کنیم و راجع به این متقاعد بشیم. اگه ما متقاعد بشیم و یا شما متقاعد بشوید، خود به خود مسئله وحدت، ما اصلاً حله، یعنی مسئله وحدت دو تا سازمان پس موکول می شه به نقطه نظرات شون راجع به جبهه مگه نه؟ اگه بخواهیم مسئله را در واقع به طور مشخص

بهرروز ارمغانی: مگر ما هیچ نقطه افتراقی نداریم برای وحدت، الی جبهه

تقی شهرام: درسته اینا؟

بهرروز ارمغانی: نمی دونم، اینه نظر شما؟

تقی شهرام: نه من می گم اگر بخواهیم از نظر عملی موضوع رو بررسی کنیم این می شه دیگه، یعنی الان اگه ما و شما بیاییم راجع به جبهه به یک وحدتی برسیم، به هر نقطه نظری برسیم خود به خود وحدته، اگر نرسیدیم به یک نقطه نظر واحد آن موقع وحدت پیدا نمی کنیم.

بهرروز ارمغانی: در مورد جبهه

تقی شهرام: آره دیگه عملا به این مسئله می رسیم چون تو میای مطرح می کنی آیا کدام مقدمه، ها؟ من می گم از نظر عملی این مقدمه، خب بیایم الان بحث کنیم با هم، تو می گی از نظر تئوریک من می گم از نظر تئوریک بخواهیم تقدم جبهه را در وحدت مارکسیست - لنینیست ها بحث کنیم. آن وقت دیگه مسئله تئوریکه، باید بشینیم اصلا راجع به ضرورت جبهه، راجع به موضعی که مارکسیست - لنینیست ها در مورد جبهه بگیرند و جبهه چه نقشی داره چه نیروهایی را قبول می کنه، چه نیروهایی را قبول نمی کنه بحث بکنیم چون ما آن جا به سری چیزهایی را گفتیم، اگه حرفا هاتون قبول شد، خوب، وحدت خود به خود ایجاد شده و اون جبهه هم میره جلو، اگر نشد ما باید نظرات مان را تغییر بدیم یعنی متقاعد شدیم حرف های شما را، دیدیم که جبهه اون تعریفی که ما کردیم غلطه، این جبهه اصلا ضرورت نداره، اصلا معنا نداره جبهه، اصلا باید فقط مارکسیست - لنینیست ها متحد بشن، اصلا برون دنیال به جمهوری پرولتاریا برون دنیال اول تشکیل حزب مسلح به قول اون رفیق هر چی. اون درسته، اونه بکنیم، چون مثلا فرق می کنه پروسه عینی را در درون جبهه می داره. شما باید به این نظر ما برخورد کنین. غلط می گیم، درست می گیم حرف بی خودیه طرح بی خودی نیست چون این جا به بحثی شده راجع به این قضیه دیگه (نامفهوم...) ما این جوری باید بحث کنیم (نامفهوم...) یک بحث رو این جا صحبت بکنیم (نامفهوم...) به بحث اش رو این جا صحبت بکنیم که آقا جان واقعا این حرفی که ما می زدیم (نامفهوم...) واقعا (نامفهوم...) به این جا منتهی می شه راجع به مسئله جبهه دو سازمان با هم بحث کنیم، آن وقت ما می دونیم واقعا این باید صحبت کرد این جبهه مورد اختلاف بر می گرده این مسئله از جنبه تئوریک اش، اگر از جنبه عملی اش فقط بگید، بلی ما حرف شما رو قبول داریم بله از نظر عملی خوب باید خیلی مقدم خیلی سریع تر و درست تر اینه (نامفهوم...) که ما این جا به یک وحدتی برسیم، بعد اون سازمان واحد بره با هر گروهی، هر سازمانی، هر چی، در رابطه با سازمان بره برخورد کنه، هرکاری می خواد بکنه (نامفهوم...)

حمید اشرف: خوب فکر می کنم که این تیکه از بحث مان به مقدار زیادی روشن کننده بود. حُب به سری مسائلی را نقطه نظرهایی را

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: روشن کرد، حالا در رابطه با ادامه سئوالاتی که مطرح بود و اینا

تقی شهرام: کدام سئوالاتی رفیق

حمید اشرف: در ادامه همان چیزها بود که (نامفهوم...)

تقی شهرام: آهان، آره، آره، عرض به حضورتان که این جا یادداشتم

حمید اشرف: یعنی الان ما این نتیجه رسیدیم که باید به این مسئله جبهه

تقی شهرام: بشینیم با هم تبادل نظر کنیم

حمید اشرف: یعنی بین این دو مسئله، وحدت مارکسیست ها مقدمه

تقی شهرام: از نظر تئوریک

حمید اشرف: هم از نظر تئوریک و هم از نظر پراتیک

تقی شهرام: پراتیک، از نظر پراتیک ما حرفی نداریم اگر شما مسئله جبهه براتون روشنه، یعنی دیگه قبول دارید از نظر عملی ما موافقیم. ببین، اگه شما از نظر تئوریک مسئله جبهه را به این شکل که ما طرح کردیم وبه اون شکل که، البته رابطه اش هم با حزب کمونیست روشن کردیم که این ها یک سلسله احکام تئوریکه، شما به هر صورت قبول دارید به طور کلی می گید که الان بشینیم پس راجع به وحدت مارکسیست ها صحبت کنیم خوب می شینیم صحبت می کنیم، آن وقت اگر ما راجع به این وحدت صحبت کردیم، مثال ها، بعد مثلا باید صبر کنیم، مثلا همه نیروها وحدت مارکسیست هایی که مثلا پراکنده اند به طور کلی تو جنبش و معتقد به خط مشی مسلحانه اند، باید صبر کنیم که آن ها همه متحد بشند بعد بریم مثلا سراغ مثلا فرض کنیم نیروهای دیگه معتقد به خط مشی مسلحانه یا نیروهای دیگه انقلابی (نامفهوم...)

حمید اشرف: آخه نیروهای دیگه معتقد به خط مشی مسلحانه وجود ندارند

تقی شهرام: نیستند؟ خوب اگه نیستند که خوب اصلا عملا حرف ما و شما در چه جا به قول معروف، دیدی که بعضی از این معادله ها که مثلا درجه چهار میاد تجزیه می شه (نامفهوم...) تجزیه می شه یکهو می شه درجه یک (نامفهوم...) یک خط، معادله یک خط می شه (نامفهوم...) آخرش هم حرف ما و شما یکی می شه اگر نیستند. اگر واقعا عملا هستند که خوب باید باهاشون برخورد کرد نظرات مونه با هم یکی کنیم، نظرات مونه بر خورد کنیم ببینیم اختلافاتش کجاست. بعد هم به طور مشخص قضیه به این مسئله تقریبا مشخص تحلیل می شه

تقی شهرام: بله (نامفهوم...)

(نا مفهوم...): یک (نامفهوم...) میدیم

تقی شهرام: بین آها یک مسئله ای، بحث کردی که

بهروز ارمغانی: بگذارید، من، اگه بحث جدید هست، چند دقیقه آنراکت بدیم (نامفهوم...)

تقی شهرام: آهان آره

بهروز ارمغانی: (نامفهوم...)

تقی شهرام: جمله ای که در رابطه با اینا می تونست مطرح بشه، چی رو زد؟

حمید اشرف: ضبط صوت رو نزنم؟

تقی شهرام: نزن، بهتره نزنی

حمید اشرف: باشه

تقی شهرام: چون که اطلاعاتیه، بحثی راجع به اون جریان خارج، اینا دیگه، اگه ما صحبت مون را با رفقا اگه ضرورت داره شما اگه در واقع احتیاج می خواهین ما براتون می فرستیم. با رفقا صحبت می کنیم فکر نمی کنم محذوری باشه

حمید اشرف: این که در خارج می دونین انعکاس هایش خیلی ناجور بوده این جریان، چون تو کنگره کنفدراسیون هم این اعلامیه ها خوانده شده

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: یعنی اعلامیه گروه های مذهبی و انعکاسات ناجوری پیدا کرده، خلاصه مسئله خارج خودش یک سری جریاناتی هست اختلافات درونی کنفدراسیون

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: کنگره مستقلی که در امسال کنفدراسیون تشکیل داد (نامفهوم...) همون کنگره ای که پیام داده شد بهش از طرف شما

تقی شهرام: آن کنگره ای که همون جبهه ای ها تشکیل داده بودند؟

حمید اشرف: کنگره چیز دیگه (نامفهوم...) کنگره هفدهم

تقی شهرام: همون جبهه ای ها مثل این که تشکیل داده بودند نیست؟

حمید اشرف: آره دیگه، در حقیقت کنگره سالانه این جبهه را این ها تشکیل دادن کنگره سالانه کنفدراسیون را این ها تشکیل داده بودند

تقی شهرام: ببین ما راجع به مسایل خارج تقریباً یک استقلالی به این ها دادیم یعنی چون ما زیاد تو کارش نمی تونیم باشیم، هم این ها تو همین چهار چوب خطوط اصلی سازمان می تونن یعنی خودشون موضع می گیرند و به هر حال برخورد می کنند چون (نا مفهوم...) تا ما به برسیم جو خارج را اخیراً به یک نظمی در بیاریم و از آن حالت گذشته خارجش بکنیم مخصوصاً، البته خوب خیلی این ها مسایل زیادی را باقی گذاشته بودند میراث خیلی جریانات غلط آن جا (نا مفهوم...) ولی به هر حال سعی داریم می کنیم که آن جا پاک سازی بشه و

حمید اشرف: ببینم رفقا رفیق نژاد حسینیان و اینا چه موضع گرفتند در این رابطه

تقی شهرام: نژاد حسینیان، (سؤال از **جواد قائدی:** نمیدونی کیه اسم مستعارش؟)

جواد قائدی: (نامفهوم...)

حمید اشرف: موضع جدید را پذیرفته

جواد قائدی: آها بلی مثل این که پذیرفته

تقی شهرام: بله عرضم به حضورتان که، بله ما هم چو مسایلی داریم، می گم مسئله خارج گفتم براتون یک سری برای ما دشواری های خیلی زیادی داشت به خاطر این که مجبور بودیم که فداش کنیم یعنی کارهایی که ما در این جا می بردیم واقعا این امکان را نمیداشت که ما آن جا برخورد کنیم. گفتم که در حین صحبت ها، ولی با این وصف توانستیم آن جا بالاخره به اون جام برسیم و آن کادریهای اصلی خودمان را در واقع برخورد کردیم آوردیم شان این جا و به هر حال برخورد مناسب باهاشون شد، ولی خوب هنوز آثار و تبعات اش (نا مفهوم...) همین هاست دیگه، این عناصری هم که اون جا رفتن سراغ شون، و به هر حال بدون این که این مراحل را که ما این جا گذراندیم از نظر تصفیه عناصری که (نا مفهوم...) از همین قبیل آدم ها بودند، این ها نتوانستند (نا مفهوم...) این خوب طبیعی هم بودش که این ها یک موقعی هم چنین دست به چنین کارهایی بزنند. به هر حال انعکاس این ها من فکر می کنم که هر چند که جریان بدی را هم ایجاد کرده باشه، بد باز هم به هر مفهوم طبقاتی داره، یعنی به هر حال این ها اگر ما سیاست درستی را پیش بگیریم و این سیاست را ادامه بدهیم به هر حال هر چیز بدی می تونه چیز خوبی بشود. یعنی یک چیز خیلی بد میتونه چیز خیلی خوبی هم بشود. و ما این طوری برخورد می کنیم با قضیه. شما چیزی به نظرتان می رسد؟

حمید اشرف: نه ما فقط می دونیم به هم چین جریاناتی هست.

تقی شهرام: تحلیل تان چیه از این ها؟ از این جریانات؟

حمید اشرف: والله چون ما شناختی نداریم

تقی شهرام: چطور شناخت ندارید؟

حمید اشرف: تحلیلی هم نداریم و لیکن فکر می کنیم که این ها کسانی هستند که به هر حال سر خوردند در این رابطه (نامفهوم...) چون در داخل هم نظایرشان دیده می شه و این روزها هم این ها تو دانشگاه و این ها اعلامیه شان را در می آورند و

تقی شهرام: بینم شما خبر دارید از قبل این ها می خواهند اعلامیه در آورند؟

حمید اشرف: از قبل؟ چون، نه، در می آورند یعنی مثلا

تقی شهرام: آها پخش می کنند این اعلامیه ها را

حمید اشرف: پخش می کنند، به دیوارها می زنند، الان مثلا هفته پیش بود که یکی داشت یک اعلامیه

بهروز ارمغانی: دو تا اعلامیه بود

حمید اشرف: دو تا اعلامیه هفته پیش، یکی از طرف مسلمانان آگاه

تقی شهرام: آهان، همان اعلامیه چند صفحه ایه؟

جواد قائدی: دانشجویان مسلمان چند صفحه ایه. دانشجویان مسلمان رو دیدیم (نا مفهوم...) ولی مسلمانان آگاه که

تقی شهرام: من فکر می کنم، من فکر می کنم

جواد قائدی: همان علم و صنعتی هایی هستند که اون هفته ای رو زدند.

تقی شهرام: کدوم؟ مسلمانان آگاه؟

جواد قائدی: آره (نا مفهوم...)

تقی شهرام: نه این چیز دیگه رو می گم

جواد قائدی: دانشجویان مسلمان یکی دیگه ست، دوتان می گن

تقی شهرام: نه اون چیزی که تو دیروز می گفتی که

جواد قائدی: خوب همون دانشجویان مسلمان دیگه

تقی شهرام: که سرش تو به جمله خارجی انداختی، چی بود؟ (نا مفهوم...) نالیستی (نا مفهوم...) همین بود؟ که سه چهار ورق بوده و گفتید که (نامفهوم...) از نهضت آزادی دفاع کرده بوده و از این حرف ها

حمید اشرف: نه بیشتر به مارکسیسم حمله کرده بوده و به موضع جدید آن جوری

تقی شهرام: بله ما این جا در صدیم که می دونید از طرق مختلف باش بر خورد بکنیم. یکی اش کار توضیحی است می کنیم این کار را یکی همان مسئله حل تشکیلاتی یعنی واقعا وحدت دو تا سازمان پیش بره، که من فکر می کنم، فکر می کنیم ... خیلی خوب به به اشکالی خیلی مناسب حل می شه یعنی در واقع مسئله اصلا از آن شکلی که خرده بورژوازی مستمسک قرار داده خارج می شه، یکی مسئله در واقع تایید و وحدت با همین گروه های در واقع صادق مذهبی است که حاضرند با ما کار کنند و وحدت داشته باشند. این ها مسابلی است که ما می توانیم با این جریانات برخورد کنیم. شما راه های دیگری به نظرتان میرسد؟

حمید اشرف: این گروه های صادق مذهبی به ویژه امروز گروه هایی که مجاهدین سابق بودند، این ها الان چه نقطه نظری دارند چه کار می خواهند بکنند؟

تقی شهرام: اپنا میخوان اصلا مبارزه مسلحانه کنند

حمید اشرف: می دونم آیا میخوان سازمان مستقل تشکیل بدن؟

تقی شهرام: نه، آره، گروه مستقلی تشکیل می دهند، گروه مستقلی تشکیل دادند اصلا.

حمید اشرف: ولی اسمی رو خودشون نداشتن (نا مفهوم...)

تقی شهرام: نداشتند چون عمل نظامی نکردند

حمید اشرف: آن وقت آیا می خواهند از اسم مجاهدین استفاده کنند؟

تقی شهرام: فکر نمی کنم، یعنی اگر هم استفاده بکنند به این شکل استفاده نمی کنند امیدوارم یک چیزه دیگه بگذارند مثلا مسلمانان مجاهد خلق، یک چیزی شاید از این (نا مفهوم...) قبیل، ولی این کار را نخواهند کرد. چون می دونید که در داخل زندان هم رفقای تقریباً اصلی ما مارکسیست شده اند. یعنی رفقای، خیلی از رفقاومون می دونید دیگه

حمید اشرف: ما شنیدیم که سه جناح در زندان هست

تقی شهرام: سه جناح؟ (نامفهوم...) سه جناح شد؟ قراره دو جناح

حمید اشرف: به جناح (نا مفهوم...) مارکسیسم را پذیرفتند، یعنی (نامفهوم...) مجاهدین رو پذیرفتند (نا مفهوم...) یک جناح نپذیرفتند، یک جناح هم مانده موضع (نا مفهوم...) گرفتند یعنی پاسیو شدند

تقی شهرام: |

تقی شهرام: چون رفقای که موضع مارکسیستی گرفتند تقریباً از رفقای یک مقدار استخون دار تر هستند به طور کلی (نا مفهوم...)

حمید اشرف: رفیق رجوی اپنا موضع مارکسیستی گرفتند؟

تقی شهرام: من رجوی نمی دونم چون مسایل اطلاعاتی راجع به این صحبتی نمی کنیم، چون من فکر می کنم رفقا جزئی و این ها هم در همین روابطی که مشخص شده بود جریانات شان (نا مفهوم...) این ها را باهاشون این کار رو کردند. کلاً نباید در این باره صحبت کرد ولی نه من نمی دانم (نامفهوم...) راجع به رجوی

حمید اشرف: ولی این مسئله ایدئولوژیکه، مسئله تشکیلاتی نیست؟

تقی شهرام: کلاً نمیدونیم، پلیس هم نمیدانست این چیزها را، می دونه؟ نمی دونم (نا مفهوم...) فکر نمی کنم بدون، ولی هستن رفقای که مارکسیست شده اند تقریباً رفقای با تجربه ترمون، رجوی را نمی دانم (نا مفهوم...) ممکنه نشده باشد ولی (نا مفهوم...) (نا مفهوم...) من دانم من راجع به رجوی اطلاعی ندارم ولی رفقای دیگری که هستند (نا مفهوم...) بلی (نا مفهوم...) این یک جریان اجتماعی است مسلماً در ابعاد اجتماعی هم تاثیر می گذاره واقعا خودمان هم می دونیم، یعنی اصلاً به هیچ وجه قابل تعجب نیست این قضایا کاملاً منتظرش هم هستیم بیشتر از این هم. بلی به هر حال شما نظری دارید راه حلی پیشنهاد می کنید شیوه هایی که ما داریم توضیح دادم براتون چی ها هست

حمید اشرف: در رابطه با گروه های مذهبی که ما نظرمون این هست باید اجازه بدین گروه های مستقل خودشون رو بپا کنن

تقی شهرام: بیارند چه اشکالی داره

حمید اشرف: بله، در جهت تشکل شون

تقی شهرام: به ایشان کمک کرد، ها؟

حمید اشرف: حتی کمکی هم اگر خواستند بهشون کرد (نا مفهوم...) چون این ها نمی تونند در چارچوب دیگه ای متشکل بشند

تقی شهرام: بلی کاملا درسته

حمید اشرف: پراکنده می شوند اگر متشکل نشوند.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: همین نظر ما در مورد گروه‌های مذهبی به طور مشخص همینه، و آن چیزی را و اون کاری که باید بکنیم هم (نامفهوم...)

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ما هم نظرمون همینه که گروه‌های مذهبی باید متشکل بشوند

تقی شهرام: ما می دونیم باید متشکل بشوند ولی واقعا مناسبات ما و مناسبات جنبش کمونیستی با این ها باید چه شکلی باشه؟ این هم مسئله است چون به هر حال این ها یک نکات متضاد و متعارضی داره به مرور وقتی (نامفهوم...) که جلوتر پیش بره به سری مسایل ایجاد می کنه. بلی ما متقدیم ما واقعا در این مورد حرفی نداریم یعنی جلویی نگرفتیم ... ممانعتی نکردیم

حمید اشرف: اون وقت شما روابط تون چطور می شه با اینا؟

تقی شهرام: با کی ها؟

حمید اشرف: با همین گروه‌های مذهبی که مستقلا تشکیل می شوند.

تقی شهرام: خوب ما فکر می کنیم که رابطه همان رابطه جبهه ای داشته باشیم، چه جوری می تونیم داشته باشیم دیگه (نامفهوم...) از چه نظر؟ حتی مثلا فکر می کنید که اونا مثلا ادعای مثلا گذشته سازمان را بکنند؟

حمید اشرف: یک مقدار (نامفهوم...) این مسایل مطرحه، یک مقدار این که تحلیل شان الان چی هستش

تقی شهرام: اونا می گن شما درترانزیت انقلابی رسیدید به مارکسیسم، ما نرسیدیم.

حمید اشرف: و نحوه اعلام مواضع و این ها را هم تایید می کنند؟

تقی شهرام: البته نه، انتقاداتی دارند که شما بعد مذهبی، توده‌ای؛ بعد به عده متقاعد شدند که حق داشتیم ما باید این کار را می کردیم، نظرات یک پارچه ای ندارند. یعنی یک مقدار هم به تأخیر افتادن عمل‌شان هم همینه

حمید اشرف: یعنی عملیات می خواهند بکنند؟

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: پس این ها الان گروه های مختلفی هستند یا یک گروه را تشکیل دادند؟

تقی شهرام: عمدتا یک گروه را تشکیل می دهند. یعنی رفقای ما یک گروه را تشکیل می دهند.

حمید اشرف: یعنی مجاهدین آزاد شده

تقی شهرام: بلی عمدتا هم رفقایبی که از قدیم بودند با ما و آزاد شدند و مسئله (نا مفهوم ...) دارند

حمید اشرف: با مذهبی ها (نامفهوم...)

تقی شهرام: نه مذهبی این‌ها اصلا تیپ‌های دیگه ای هستند با این ها نمی تونن هم به این سادگی ها تفاوت پیدا کنند چون اصلا یک تیپ های دیگه ای دارند. تیپ هایی اصلا رو به (نامفهوم...) آخه اصلا یک داستانی یک عملی اخیرا انجام دادند، حتی گفتند نگید، چون ممکنه که مثلا پلیس بعدا اینا رو بگیره اعدام و این ها بکنه، اصلا یک مقدار (نامفهوم ...)

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com

چریکهای فدائی خلق ایران